

به یاد رهبر جنبش اسلامی جمهوری آذربایجان

حاج علی اکرام انسانی مهربان، شجاع، شکیبا، سخاوتمند، بی‌ریا، صادق و غیور و غیرت دینی و شور انقلابی‌اش در مقیاسی وسیع و جهانی مثال زدنی بود.



آران نیوز: نویسنده و محقق معاصر مصطفی قلیزاده علیار نخستین نویسنده زندگی و خاطرات حاج علی اکرام رهبر جنبش اسلامی معاصر جمهوری آذربایجان است که تاکنون علاوه بر چاپ و انتشار مقالات و مصاحبه‌های متعددی از زندگی و مبارزات آن مجاهد فقیه اسلام، دو کتاب مستقل نیز تحت عنوان، "خاطرات حاج علی اکرام علی اف رهبر اسلامگرایان جمهوری آذربایجان" (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، 1385) و "نامه‌هایی از زندان" (ارومیه، اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان غربی، 1389) در زمان خود شادروان حاج علی اکرام و با نظارت و مشارکت او ترجمه، تألیف و در ایران منتشر کرده است.

در پی وفات آن مبارز مسلمان در 26 اسفند سال 1389 وی مختصری از زندگی نامه، اندیشه‌ها و منش عملی وی را به نگارش در آورده که ملاحظه می‌کنید: تولد و تربیت

مسلمان مبارز و رهبر مجاهد جنبش اسلامی معاصر جمهوری آذربایجان، حاج علی اکرام علی یف فرزند اسماعیل، در پنجم آوریل 1940 (16 فروردین 1319) در شهرک "نارداران" - 25 کیلومتری باکو- به دنیا آمد. خانواده او به دلیل گرایش مذهبی، ملتمز به آداب و رسوم سنتی و تربیت دینی بودند. آنان علی‌رغم ترویج رسمی اصول نظام آموزشی در مدارس و نشر اندیشه‌های مادی در جمهوریهای شوروی و تربیت نسل‌های جوان به شیوه مارکسیست‌ها، فرزندان خود را تحت تربیت خانوادگی و دینی بزرگ می‌کردند. حاج علی اکرام و پنج برادر و چهار خواهرش در آن محیط اجتماعی و در داخل چنین خانواده مذهبی پرورده شدند و نشو و نمو یافتند.

پدرش اسماعیل مردی دیندار، غیرتمند و زحمتکش بود و روزی خود و خانواده اش را از حاصل دسترنج خویش تأمین می‌کرد. او علاوه بر کار و تلاش، با ادبیات کلاسیک آذربایجان و آثار شاعران و نویسندگان بزرگ و مسلمان آن و با قرآن و معارف دینی نیز آشنایی داشت. حاج علی اکرام در خاطره‌ای از دوران جوانی خود، در بیان میزان دینداری و غیرت دینی پدرش می‌گوید:

"می‌خواستند مرا به خدمت سربازی ببرند، اما پدرم اسماعیل با استفاده از نفوذ و پول خویش، بالاخره نگذاشت به نظام وظیفه عمومی بروم و وارد خدمت در ارتش سرخ شوروی شوم. وقتی از او پرسیدم: چرا اینقدر پول حالات را به جیب این خداناسانان می‌ریزی و نمی‌گذاری من بروم خدمت سربازی ام را بگذرانم و برگردم؟! گفت: "اگر وارد ارتش سرخ شوی، دیگر آدم نمی‌شوی! چون وادارت می‌کنند که گوشت خوک بخوری، و چون گوشت خوک از گلویت پایین رفت، نور ایمان در دلت خاموش می‌شود و دیگر آدم نمی‌شوی!.."

مادرش "حُسنیه" زنی متدین، بردبار و شایسته بود. در فضیلت او همین بس که در آن شرایط سخت اجتماعی جماهیر شوروی در دهه‌های سی و چهل، که حتی سایه اهل ایمان را نیز همه جا با تیر می‌زدند، توانست ده فرزند شایسته و دیندار را تربیت و بزرگ کند.

حاج علی اکرام می‌گوید: "پدر و مادرم در تربیت فرزندانمان بسیار حساس بودند و حتی در جوانی هم آنها را به حال خود رها نمی‌کردند. آنان سعی داشتند به شیوه تعالیم اهل بیت(ع)، فرزندان خود را تربیت و از آنها همواره مراقبت نمایند."

فرزند بزرگ این خانواده "حاج مایل علی یف" (1378-1314) شاعر برجسته اهل بیت(ع) و ادیب مشهور آذربایجان بود. حاج علی اکرام سومین برادر از شش پسر اسماعیل، تحصیلات خود را در رشته تربیت بدنی در باکو به اتمام رساند، اما وارد شغل دولتی نشد و به کار زراعت و پرورش گل پرداخت. آشنایی با نام امام خمینی

حاج علی اکرام از حدود سال 1975 (1354ش) از زبان یک دانشجوی شیعی مذهب و ترک زبان یمنی که در باکو تحصیل می‌کرد، نام امام خمینی(ره) را شنید و به اجمال با مبارزات ایشان و تبعید شدنش به نجف، آشنا گردید. در ایام اوج گیری مبارزات مردمی در ایران و پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام در سال 1357، حاج علی اکرام، از طریق رادیو تبریز تمام حوادث و وقایع و اخبار انقلاب را پیگیری می‌کرد و گاه از رسانه‌های مسکو مسائلی را می‌شنید. جذابیت شخصیت امام خمینی و شور انقلاب اسلامی، او را سخت تحت تأثیر قرار داد و مثل هزاران مسلمان آزاده و غیور جهان، او نیز دل به عشق امام داد و به طرفداران انقلاب اسلامی در خارج از ایران پیوست. وی در داخل قلمرو حاکمیت شوروی و در زادگاهش نارداران، هسته طرفداران انقلاب اسلامی و حلقه مقلدان امام خمینی را تشکیل داد و رهبری کرد و فعالیت خود را در آشنا کردن مردم آذربایجان با انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی، بازگشت به هویت اصیل اسلامی- شیعی کشور و ملت جمهوری آذربایجان، نشر معارف دینی و قرآنی، برپایی مخفیانه مجالسی در بزرگداشت شهدای انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و... گسترش داد.

همین فعالیت‌های او با انگیزه دینی و اعتقادی، روز به روز دامن گستر شد و مردم را در مناطق مختلف آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان مجذوب خود ساخت. بدین گونه در هر گوشه و کناری بویژه نارداران و باکو، جماعتی انبوه همگام با علی اکرام، حرکتی برای بازپایی هویت خویش آغاز کردند. در این میان سازمان امنیت شوروی(ک. گ. ب) نیز که متوجه قضایا شده بود، حاج علی اکرام را به دقت تحت نظارت و کنترل گرفت و از ترس اینکه مبدا به ایران بگریزد، او را از نزدیک شدن به مناطق جنوبی آذربایجان(مرز شمالی ایران) منع می‌کرد.

او نیز همواره در آرزوی سفر به ایران و دیدن امام خمینی به سر می‌برد. اما این دیدار و زیارت در زمان حیات امام میسر نشد. چند ماه پس از وفات امام در سال 1368، هیئتی از آذربایجان از طریق مسکو برای نخستین بار به سفر زیارتی خارج از شوروی رفت که حاج علی اکرام نیز در ترکیب آن بود. هیئت زیارتی آذربایجان شوروی، پس از زیارت عتبات عالیات در عراق و حرم حضرت زینب(س) در سوریه، به ایران آمد و به زیارت حضرت امام رضا(ع) در مشهد و حضرت معصومه(س) در قم نیز نایل گردید و مقبره امام خمینی(ره) را در تهران زیارت کرد.

در حادثه زلزله گیلان به سال 1369، حاج علی اکرام جزو نمایندگان کمک رسانی شوروی بود که از مسکو به ایران آمد و در این سفر، یک رحل بزرگ چوبی رمزدار و زیبای قرآن را که چند قرن قدمت دارد، با خود آورد و به حرم امام خمینی اهداء کرد که هنوز هم این اثر هنری ارزشمند بر روی قبر امام قرار دارد. او سالها پیش در زمان حیات امام خمینی نذر کرده بود که اگر به ایران برود و امام را ببیند، این رحل قرآن را به ایشان اهدا خواهد کرد، اما...

از آن پس سرنوشت او نیز همچون دیگر شیفتگان امام و انقلاب اسلامی در جهان (لبنان، فلسطین، عراق، افغانستان، مصر و اقصی نقاط دنیا) رقم خورد و در کشورش دل به آرمان‌هایی بخش امام خمینی و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای داد و در این راه جهاد و پایداری کرد، تا آخر عمر در این عرصه عاشقانه استقامت ورزید و "هواداران کویش را چو جان خویشتن" عزیز داشت. تمام زندگی و مبارزات او این مدعا را ثابت می‌کند (نگاه کنید: خاطرات حاج علی اکرام، پیشین؛ "نامه‌هایی از زندان" با ترجمه مصطفی قلیزاده علیار، از

انتشارات یاز، ارومیه با حمایت اداره کل تبلیغات اسلامی آذربایجان غربی، 1389]

تأسیس حزب اسلام آذربایجان و گسترش مبارزه

با فروپاشی شوروی، آذربایجان در سال 1991 (1370 ش) اعلام استقلال کرد. حاج علی اکرام با تأسیس رسمی "حزب اسلام آذربایجان" (A. I. P) فعالیت دینی- اجتماعی خود را در نقاط مختلف آذربایجان گسترش داد. از بُعد فعالیت سیاسی و اجتماعی حزب اسلامی، می‌توان به مخالفت این حزب با نفوذ غرب زدگی و اشاعه فرهنگ اروپایی و حضور تدریجی دولت‌های استکباری غرب به سرکردگی آمریکا و دلالتی اسرائیل در آذربایجان اشاره کرد. موضع گیری تند حزب اسلامی آذربایجان به رهبری حاج علی اکرام در مقابله با حضور آمریکا و رژیم صهیونیستی در باکو، آنقدر چشمگیر و در میان مردم تأثیرگذار بود که هیئت حاکمه غرب گرای باکو به رهبری حیدر علی یف، ابراز ناخشنودی کرد و در پی آن، فعالیت حزب اسلامی ممنوع و حاج علی اکرام به عنوان دبیرکل حزب و به جرم طرفداری از انقلاب اسلامی ایران و ترویج ارزشهای دینی در آذربایجان، به همراه دو تن دیگر از اعضای شورای مرکزی آن (حاج نوری و مرحوم حاج واقف) در سال 1996 (1375 ش) دستگیر، محاکمه و به حبس محکوم شدند، حاج علی اکرام به یازده سال و دو نفر دیگر هرکدام به ده سال. اما سه سال بعد آزاد گشتند در حالی که سلامت جسمی حاج علی اکرام بر اثر شکنجه و فشارهای شدید جسمی و روحی، دچار آسیب و بیماریهای غیر قابل علاج شده بود که تا پایان عمرش با این بیماری و ضعف و ناراحتی سوخت و ساخت.

در سال 81 مردم نارداران دست به قیام بر ضد سیاستهای نادرست حیدر علی یف زدند. حاج علی اکرام که هنوز آثار آسیب و شکنجه زندان را بعد از گذشت دوسال بر روح و جسم خود داشت و به سختی تحمل می‌کرد، باز هم به اتهام تحریک مردم به قیام، خرداد همان سال دستگیر شد و حدود هیجده ماه در حبس ماند. در این حبس روشنایی چشمپایش را تا حد زیادی از دست داد. زیرا در زندان مانع معالجه و مداوای بیماری قند او شدند و نگذاشتند مورد معالجه قرار گیرد. در نتیجه، بیماری قند در جسمش افزایش یافت و به چشمپایش آسیب اساسی رساند به طوری که دیگر حتی پس از عمل جراحی نیز بهبود نیافت.

بی شک حاج علی اکرام رهبر جنبش اسلامی جمهوری آذربایجان نقش تأثیرگذاری در احیای هویت اسلامی کشورش داشت و مجاهدتهای او هرگز در تاریخ فراموش نخواهد شد. ناگفته نماند که در قرن بیستم میلادی دو حرکت انقلابی با انگیزه و هدف دینی و شیعی در جمهوری آذربایجان اتفاق افتاده: نخست جنبش اسلامی دهه 20 (از 1920 تا 1931) به رهبری عالم مجاهد و مجتهد شهید آیت الله شیخ عبدالغنی بادکوبه ای و با تأسیس "جمعیت دعوت الهی" توسط او بود که با شهادت شیخ به دست عوامل استالین در سال 1931 (1310 ش)، این جنبش فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اسلامی نیز سرکوب شد.

دومین جنبش اسلامی جمهوری آذربایجان با حرکت اسلامگرایان این کشور به رهبری حاج علی اکرام در شهر نارداران و شهر تاریخی باکو، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحت تأثیر آن پدید آمد و با تأسیس و آغاز به فعالیت حزب اسلامی که دبیرکل آن خود حاج علی اکرام بود، به اوج خود رسید، اما با دستگیری و زندانی شدن رهبران جنبش، از نفس افتاد و برچیده شد.

هنوز از آغاز، انجام، تأثیر اجتماعی و نتایج تاریخی این دو جنبش اسلامی، اطلاعات تاریخی کافی، علمی و پژوهشی در ایران انتشار نیافته است. امید است اندیشمندان غیرتمند از اهل قلم و آگاهی بار این مسئولیت را به منزل برسانند.

استوار بر سر پیمان نخستین خود

اکنون حاج علی اکرام در اغلب کشورهای اسلامی و حتی در ممالک غربی از چهره های مبارز و شخصیت های اسلامی برجسته و شناخته شده به شمار می رود. او به عنوان یک مسلمان غیرتمند و آگاه همچنانکه در برابر اشغال نظامی بخشی از اراضی کشورش آذربایجان توسط همسایه غربی اش ارمنستان، ساکت نبوده و همواره به آن اعتراض داشته و حتی در اوایل اشغال به مدافعان کشورش کمک می کرد، در برابر سرنوشت تلخ دیگر ملت های مسلمان نیز بی تفاوت ننشسته است. او در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، اشغال فلسطین توسط صهیونیست های غاصب، تجاوز رژیم صهیونیستی به خاک لبنان، فاجعه غزه و... نیز ساکت نبوده و به تجاوزگران اعتراض داشته، همواره در برابر مسلمانان مظلوم جهان احساس مسئولیت داشته است. از نخستین سالهایی که آخرین جمعه ماه مبارک رمضان از سوی امام خمینی (ره) به عنوان روز جهانی قدس و رمز آزادی فلسطین اعلام شد و شوروی هنوز در اوج قدرت بود، حاج علی اکرام در نارداران و باکو متناسب با شرایط اجتماعی آن روز، با همان تعداد محدود افراد متعهد از مقلدان امام در آن دیار، مراسم این روز تاریخی را برپا می داشت و هنوز هم به همت او مراسم روز قدس هر ساله همزمان با دیگر ممالک اسلامی در جمهوری آذربایجان به دفاع از سرزمین اسلامی فلسطین و حقوق صاحبان اصلی آن و در محکومیت رژیم غاصب صهیونیستی اسرائیل، با شور و هیجان تمام برپا می شود و خود او روز جمعه آخر ماه مبارک رمضان هر سال با وجود بیماری، از خانه اش بیرون می آمد و در میدان امام حسین (ع) نارداران در ابتدای صف راهپیمایان قرار می گرفت در حالی که کفن پوش بود!

حاج علی اکرام از سال 82 از مسئولیت دبیر کلی حزب اسلامی کنار رفت و آن را به جوان ترها سپرد، اما تا آخر عمر لیدر و رهبر حرکت اسلامی آذربایجان بود و با هوشیاری و شجاعت و ایمان محکم به اسلام و انقلاب اسلامی ایران و رهبری ولایت محور آن، در راهی که انتخاب کرده بود، استوار ماند. وی در فروردین 1389 به مناسبت مراسم 70 سالگی اش در باکو، طی مصاحبه ای با روزنامه اسلامگرای "نبض" صریحاً اعلام کرد که راه من از اول راه امام خمینی بوده ومقلد آیت الله خامنه ای هستم!

ویژگی های انسانی

حاج علی اکرام انسانی مهربان، شجاع، شکیبا، سخاوتمند، بی ربا، صادق و غیور و غیرت دینی و شور انقلابی اش در مقیاسی وسیع و جهانی مثال زدنی بود. حافظه ای قوی داشت سرشار از هزاران بیت شعر ناب و تأثیرگذار در موضوعات مختلف به ویژه اشعار طنز و مذهبی و تمثیلات لطیف و دلنشین و آیات و روایات دینی بسیاری که بجا و به موقع از آنها استفاده می کرد. از این لحاظ مردی بسیار خوش مشرب و شوخ طبع بود و هرگز کسی از هم نشینی با او خسته نمی شد و حتی در ایام سخت بیماری اش نیز ملاقات کنندگانش با روحیه ای شاداب از محضرش بر می خاستند. گریه و خنده اش همدم و متقارن بود، در مسائل حساس مثل ذکر مصائب اهل بیت (ع)، مظلومیت ملتش، ستم بر امت اسلامی و... خیلی زود متأثر می شد و می گریست و در این مواقع گریه اش بی اختیار بود.

همچنین رعایت انصاف، آداب دانی و معرفت انسانی از خصوصیات این مرد مؤمن بود. ذوق شعری و سخنوری او را هم نباید از یاد برد. از موهبت طلاق لسان، فصاحت بیان، حاضر جوابی و صراحت لهجه بهره وافق داشت.

پرتوی از اندیشه ها

از نظر حاج علی اکرام هویت تاریخی جمهوری آذربایجان بر پایه اسلام و تشیع استوار بوده و در حوزه فرهنگ و تمدن ایرانی قرار داشته که حکومت روسیه تزاری و ترکان قاجاری ایران طی قراردادهای گلستان و ترکمن چای در ترکیب اراضی وسیعی از قفقاز مثل ارمنستان و دربند و گرجستان، از بیکر ایران بزرگ جدا ساخته اند.

این مرد غیرتمند و دیندار با علمای اسلام بیشتر از دیگر اقشار مردم روابط دوستانه داشت، چون بر این باور راستین بود که حفظ اسلام و عظمت مسلمانان فقط در گرو جهاد علمی و سیاسی و فعالیت های اجتماعی عالمان دینی بوده است. او از دلداگان عالمان بزرگ و مجاهدی مثل شهید شیخ عبدالغنی بادکوبه ای و امام خمینی بود و انقلاب اسلامی را طلیعه و زمینه ساز انقلاب جهانی مهدی موعود (عج) می دانست، برای همین تا آخر عمر به انقلاب بزرگ اسلامی ایران و رهبری آن عشق می ورزید و از حریم و ارزشهای آن با اعتقادی راسخ دفاع می کرد و از ملامت کنندگان و زورگویان و اهل بهتان نمی هراسید.

خاطرات حاج علی اکرام

دو کتاب در باره زندگی و مبارزات حاج علی اکرام در زمان حیاتش در ایران منتشر شد، اولی کتاب "خاطرات حاج علی اکرام علی اف رهبر اسلامگرایان جمهوری آذربایجان" به قلم

عبدالحسین شهیدی ارسباران است که در سال 1385 از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی، در تهران چاپ و منتشر گردید. این کتاب ارزشمند مشتمل بر خاطرات بسیار شیرین، خواندنی و تاریخی حاج علی اکرام در دوره های مختلف عمرش بویژه دوران مبارزاتی و سالهای زندانی شدن اوست و برگ پرافتخار و درخشانی از تأثیر انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای ایران را تشکیل می دهد. این کتاب بی گمان از کتب تاریخی ماندگار و تأثیرگذار و نخستین منبع در این عرصه است و خواهد بود. این کتاب که نخستین منبع چاپی در موضوع زندگی حاج علی اکرام و جنبش اسلامی آذربایجان است، بلافاصله پس از انتشار، از سوی اهل قلم و تاریخ و پژوهش و تاریخ نگاران جنبش های اسلامی معاصر جهان اسلام و عموم خوانندگان ایرانی و آذربایجانی مورد استقبال قرار گرفت و برخی نشریات ایرانی متن آن را بصورت پیاپی و پاورقی، به تدریج تجدید چاپ کردند. ناگفته نماند که پس از انتشار کتاب خاطرات حاج علی اکرام، وی سفری به برخی شهرهای مهم ایران از جمله قم، تهران، تبریز، ارومیه، اردبیل، کاشان، مشهد مقدس داشت و در شهر ارومیه، در اجتماع علمای شهر، روز 29 دی ماه 1385 از زحمات و مجاهدتهای دینی وی تجلیل به عمل آمد.

نامه هایی از زندان
کتاب دوم "نامه هایی از زندان" حاوی 30 نامه، 20 یادداشت در خصوص استخاره با قرآن و یک نوشته کوتاه در باره پیامبران از حاج علی اکرام است که در زندان نوشته است. نامه ها در دو بخش جداگانه مربوط به زندان دوره نخست (1378 - 1375) و دوره دوم (1382 - 1381) است که به ترتیب، بخش های اول و دوم کتاب را تشکیل می دهد. بخش سوم شامل یادداشتهای استخاره ای حاج علی اکرام می شود که یادگار انس و الفت او با قرآن در زندان دوره اول است. به یقین این نامه ها و یادداشتهای تکمیل کننده کتاب "خاطرات حاج علی اکرام" است. نامه ها اوراقی پراکنده اما ماندگار از "ادبیات زندان" و حبسیات یک مبارز حق طلب و مسلمان مجاهد است که به جرم دفاع از ارزشهای دینی و معنوی ملت و کشورش، به زندان افتاده، متهم به اتهامات واهی شده و این نامه ها و یادداشتهای از پشت میله های آهنین زندان دشمنان اسلام و ستمگران حاکم بر آذربایجان نوشته است. برخی از نامه ها متضمن احوال شخصی و خانوادگی اما دارای ارزش اجتماعی و اخلاقی برای عموم مردم است. برخی دیگر هم ارزش و اهمیت تاریخی، سیاسی و ملی دارد. اما در تمام آنها ایمان به خدا و اندیشه توحیدی و آرمان دینی، اجتماعی و اعتقادی نویسنده موج می زند و نشان می دهد که او زندانی اعتقادی است نه سیاسی؛ و بیانگر این واقعیت آشکار است که او همه چیز را برای ارتقای معنوی مردمش و تحقق آرمانهای الهی خود در اجتماع می خواهد و از رنگ سیاسی و سیاست بازی مرسوم اهل دنیا به دور است. این "حبس نامه ها" و یادداشت ها را می توان نمونه هایی عالی و درخشان از ادبیات پایداری و مقاومت ملت های مسلمان در تاریخ به شمار آورد.

لحن نامه ها بویژه نامه هایی که به خانواده و فرزندان نوشته، نصیحت آمیز و امیدوار کننده و گاه با عبارات طنزآمیز و بذله گویی همراه است. او سعی داشته از طریق این نامه ها جای خالی خود را به عنوان پدر خانواده در کنار همسر و فرزندان با سخنان ملاحظت آمیز پدرا نه پر کند. از محتوای نامه ها می توان دریافت که حاج علی اکرام در هیچ شرایطی از زندان و شکنجه نا امید نیست و هرچه فشار روحی و جسمی و بیماری و مشکلاتش در زندان بیشتر می شد، امیدواری اش نسبت به فضل خداوند افزون تر می گشت، برای همین اثری از افسردگی روحی و یأس در کلامش مشاهده نمی شود. حاج علی اکرام در نامه هایش خانواده، فرزندان، دوستان و همفکرانش را به بردباری سفارش می کند و به صراحت می گوید که ما در این مبارزه وظیفه شرعی خود را در برابر خداوند و در قبال مردم و سرنوشت کشورمان و در برابر مسؤولیت خویش نسبت به همه مسلمانان جهان انجام می دهیم، اما نتیجه مبارزه بسته به مشیت خداست، باید در این امتحان صبور و شکبیا باشیم.

از دیگر خصوصیات نامه ها، محتوای قرآنی و دینی آن است. او مراسم ایام میلاد و وفات شخصیتها و رهبران دینی را در زندان برپا می داشت و به دوستان خود در خارج هم سفارش می کرد که مراسم خاص این ایام را هرچه با شکوهتر برگزار کنند. همچنین آداب و شعائر ویژه ماه مبارک رمضان و ماههای محرم و صفر و رجب و شعبان را بیشتر مورد توجه قرار می داد. این حقایق به صراحت در نامه های او بیان شده است.

متن نامه ها با الفبای کرپل و به خط خود حاج علی اکرام نوشته شده، تعدادی هم در زندان دوم به خط شخص دیگری و به امضای اوست، زیرا در زندان دوم چشمهایش بشدت ضعیف شده بود. به هم بندهایش املا می کرد و خود امضا می گذاشت.

نامه ها و یادداشتهای نزد خانواده اش نگهداری می شد که پس از انتشار کتاب خاطرات او، دوستانه در اختیار مترجم (مصطفی قلیزاده علیار) قرار دادند و با کمک یکی از فرزندان بازرخوانی و ترجمه شد.

مرگی به رنگ شهادت
حاج علی اکرام سلسله جنیان خیزش اسلامی معاصر آذربایجان، ساعت 5 بعد از ظهر روز پنجشنبه 26 اسفند 1389 برابر با 17 مارس 2011، در منزل شخصی خود در نارداران. باکو بر اثر بیماری قند و ربه پس از 40 سال جهاد در راه ترویج اسلام و زندگی به رنگ خدا (صبغه الله)، در 71 سالگی دار فانی را وداع گفت و روز جمعه در کنار تربت "امام زاده رحیمه خاتون" در نارداران به خاک سپرده شد. رحمه الله علیه. اما نکته ای را نباید از نظر دور داشت و آن اینکه مرگ حاج علی اکرام نوعی شهادت تدریجی در اثر شکنجه های دشمنان اسلام بود. با این توضیح که حاج علی اکرام حدود شش سال در زندانهای مخوف باکو متحمل سخت ترین شکنجه ها شد و جسم و جاننش صدمات غیر قابل جبرانی برداشت و تا آخر عمرش نیز مدام از این بیماری های ناشی از زندان حیدر علی یف رنج می برد و می نالید، گرچه خم به ابرو هم نمی آورد و با روحیه ای شاداب که از علایم ایمان قوی او بود، زیست، ولی بیماری های ناشی از شکنجه های وحشیانه عوامل شکنجه گر زندان، جسم این مجاهد نستوه را آزار داد و آزار داد و آزار داد... تا اینکه در اثر این دردهای فرساینده، جان سپرد.

گفتنی است از حاج علی اکرام پنج فرزند به یادگار مانده است یک پسر به نام حاج حسین و چهار دختر. راه حاج علی اکرام که به تعبیر خود او راه امام خمینی بود، بی شک در آذربایجان مستدام خواهد بود و آیندگان او و مجاهدتهایش را بهتر و بیشتر خواهند شناخت. حاج علی اکرام به حق مرد خدا، مجاهد راه اسلام و قهرمان ملی آذربایجان بود، هر چند این لقب آخری خیلی دیر به او داده شود!...

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق
ثبت است بر جریده عالم دوام ما
رحمت خدا و سلام فرشتگان و درود اولیاءالله و نظر لطف اهل بیت پیامبر (ص) بر او باد تا ابد.

منبع: روزنامه جمهوری اسلامی 7/2/1390